

ترجمه‌های شاهنامه به انگلیسی^۱

پروین لؤلؤئی

ترجمه مصطفی حسینی^۲

ترجمه‌های متعدد و متنوع انگلیسی شاهنامه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: ترجمه‌های مستقیم از فارسی و اقتباس از ترجمه‌های قبلی.

ترجمه‌های مستقیم از فارسی

نام فردوسی، در کنار حافظ و سعدی، در غرب از اواسط قرن هفدهم و از رهگذر سفرنامه‌های جهانگردان نامی شناخته شده بود، اما اولین بار سر ویلیام جونز (۱۷۴۶-۱۷۹۴) حماسه جاودانه او، شاهنامه، را به خوانندگان انگلیسی معرفی کرد. جونز در مقالات متعدّدش در باب شعر شرق فردوسی را با هومر مقایسه کرد. او به شاهنامه روی آورد و مدعی شد که با خواندن این حماسه بزرگ پارسی بود که پرداختن به خانواده زبان‌های هندواروپائی به ذهنش خطور کرد (دیویس، ۲۰۰۰، ص. ۴۴۶). او به استثنای ترجمه برخی قطعات شاهنامه در خلال مقالاتش به انگلیسی، فرانسوی، و لاتین، بر پایه داستان رستم و سهراب طرح یک نمایشنامه را ریخت و بر همین اساس بود که تصمیم گرفت تا بر الگوی تراژدی‌های یونانی یک تراژدی اما با شخصیت‌های ایرانی بنویسد. اگرچه «سرود»^۳ کوچکی از او شامل نوزده مصرع از یک «گروه همسرای» حکیمان یا مغان (موبدان زرتشتی) برجای مانده است، اما این طرح نافرجام ماند. این اثر اولین بار در سال ۱۸۰۴ در ضمیمه کتاب *احوال، آثار و مکاتبات سر ویلیام جونز*^۴ اثر لرد تیگنماو (جان شور، ۱۷۵۱-۱۸۳۴) منتشر شد. «سرود»، مانند دیگر ترجمه‌های آزاد جونز از شعر فارسی، موزون و مقفی اما نسبتاً احساسی است: «چه قدرتی، سوای قدرت نخبگان، / می‌تواند این شهرت جهانی را پاس دارد» (تیگنماو،

^۱ برگرفته از دانشنامه گرانسنگ ایرانیکا.

^۲ استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۳ Epode ^۴ Lord Teignmouth's Memoirs of the Life, Writings, and Correspondence of Sir William Jones

۱۸۰۴، ص. ۵۳۰). از این رو جای تعجب نیست که ترجمه‌های نخستین شاهنامه مطابق ادعای جونز با حماسه هومری پهلو می‌زنند، اگرچه با کمال تأسف غالباً تقلید ناپخته‌ای از ترجمه الکساندر پوپ از حماسه هومر هستند (۱۶۸۸-۱۷۴۴).

جوزف چمپین^۱ (تقریباً ۱۷۵۰-۱۸۱۳؟) اولین ترجمه واقعی حماسه فردوسی را تدارک دید. اما تنها اولین مجلد ترجمه برنامه‌ریزی شده او از کل شاهنامه در کلکته در سال ۱۷۸۵ منتشر شد، و اختلال مشاعر او را از انتشار مجلدات دیگری از شاهنامه بازداشت. این کتاب به جونز تقدیم شده و نشانه وفاداری چمپین به خوانش جونز از حماسه هومری است. برگردان اصل فارسی- که در قالب بیت است- به قالب بیت حماسی، قالب عروضی رایج شعر روائی در قرن هجده، ظاهراً گزینش مناسبی است. بنابراین ترجمه او شباهت بسیاری به شیوه هومر پوپ، اگرچه در سطحی نازل‌تر، دارد. وزن آیمبیک پنج‌ضربی شعر سنگین و سرشار از الفاظ و عبارات باستان‌گرایانه است. این ترجمه با وجود دقت نسبی، از ضرباهنگ سریع، طراوت، اندوه، و همچنین شیوایی شعر فارسی بی‌بهره است. چمپین ترجمه‌اش را با داستان اولین پادشاه اساطیری ایران، کیومرث، آغاز، و سرآغاز بسیار مهم شاهنامه را حذف می‌کند؛ هرچه که هست، این ترجمه از درک عمیق مترجم از سنت ادبی و تاریخی پارسی پرده برمی‌گیرد.

ترجمه دیگر شاهنامه در قالب بیت حماسی اثر جیمز آتکینسن^۲ (۱۷۸۰-۱۸۵۲) بود. ترجمه او از داستان رستم و سهراب اولین ترجمه انگلیسی مستقل از این داستان «پر از آب چشم» شاهنامه است. آتکینسن بر عواطف و توصیف احوال درونی — که شاید نشانی باشد از تأثیر رمانتیک به‌رغم استفاده از قالب بیت حماسی که اکنون از رونق افتاده است — انگشت می‌نهد. به گفته احمد کریمی حکاک (ص. ۲۰۰) ترجمه آتکینسن با «نگاهی گسترده به جنگل‌های ستیانی آغاز می‌شود و شکار انفرادی رستم را در کانون توجه قرار می‌دهد». زبان او به زبان پوپ نزدیک‌تر است تا زبان چمپین؛ این ترجمه روان و غالباً رساست. سادگی الفاظ و عبارات آن را به اصل فارسی نزدیک‌تر می‌کند. کامیابی سهراب او، آتکینسن را برانگیخت که ترجمه فشرده‌ای از کل اثر عرضه کند، شاهنامه او یکی از اولین کتاب‌هایی بود که در بنیاد ترجمه آثار شرقی در لندن، که در سال ۱۸۲۱ تأسیس شده بود، (یوحنان، ۱۹۷۷، ص. ۵۷؛ بنگرید به سرگور اوزلی^۳) منتشر شد. او نیز مانند چمپین با داستان کیومرث می‌آغازد و با مرگ اسکندر به پایان می‌برد. پیشگفتار کوتاه گویای نگاه

^۱ Joseph Champion

^۲ James Atkinson

^۳ Sir Gore Ouseley

آتکینسن به این اثر است: «باقی شاهنامه نکته‌چندان حائز اهمیتی از حیث شعر و تاریخ ندارد، درواقع چیزی جز ذکر نام و یاد پادشاهانی نیست که از زمان اسکندر تا یزدگرد بر ایران حکم راندند که از آن میان می‌توان اردشیر، شاپور، بهرام گور، انوشیروان، و خسرو پرویز را نام برد (آتکینسن، ۱۸۹۸، ص. ۳۳۸). با حذف یا تلخیص بخش‌های مهم شاهنامه، آتکینسن، به‌عنوان ضمیمه، ترجمه سرآغاز شاهنامه از جمله در ستایش خداوند (صص. ۳۳۹-۴۰) و هجویه فردوسی درباره سلطان محمود (صص. ۳۴۱-۴۳۰)، در قالب بیت حماسی شیوا و روان، به همراه ترجمه اندک ویراسته‌اش از ترجمه موشح او از داستان رستم و سهراب (ن. و. ۱۸۹۸، صص. ۳۴۴-۴۱۲) را می‌افزاید. ترجمه شاهنامه آتکینسن گاه نثر آمیخته به نظم است. نثر او شیوا و روشن است، اما نظمی که در قالب اوزان مختلف — مانند شعر سپید، قالب هشت سیلابی بی‌قافیه، و رباعی — است، از این رو تمامی اثر تا حدی نامنجم به نظر می‌رسد. با این‌که یادداشت‌ها و حاشیه‌های آتکینسن مفید است و گاه و بیگاه شاهنامه را با اثر هومر مقایسه کرده اما ترجمه او، مانند ترجمه قبلی اثر چمپین، از قوت و استحکام حماسی اثر فردوسی بی‌بهره است.

در سال ۱۸۱۵، یک سال پس از انتشار سهراب آتکینسن، استفن وستن^۱ (۱۷۴۷-۱۸۳۰) در لندن مجلد کوچکی، که شامل قطعاتی از شاهنامه بود، را با هزینه شخصی منتشر کرد. وستن استاد ادبیات کلاسیک و شرق‌شناس بود، و این مجلد، چنان‌که مقصود او نیز بود، به درسنامه‌ای موقّق تبدیل شد. کتاب با «سالشمار سلسله‌های ایرانی» (صص ۳-۴) شروع می‌شود و پس از آن «مطالب مقدماتی» است، (صص. ۵-۱۰ و ۱۴-۲۹) که شامل «ستایش‌نامه فردوسی از محمود» در سه بند (ص. ۱۱) و هجویه او (صص. ۱۲۰-۱۳) است؛ وستن داستان عاشقانه رودابه و زال و داستان غم‌انگیز نبرد پدر-پسر، رستم و سهراب، را برای بازسازی برگزید. به اعتقاد او، به زبان نثر می‌توان روایتی دقیق از شاهنامه به دست داد، از این رو برای خلاصه داستان‌ها از نثر و برای بخش‌های جالب داستان‌ها از قالب بیت حماسی بهره برد. نثر او ساده است، اما در نظم به پختگی آتکینسن نمی‌رسد. با وجود این، وی درک عمیقی از مبانی ژانر حماسه ایرانی در توصیف خاصه در شور و حال‌های رمانتیک و حزن و اندوه تراژیک عرضه می‌کند. بخش دوم کتاب شامل «ضمیمه زبانی، فارسی و انگلیسی» (صص. ۶۲-۱۲۱) و چند یادداشت مفید (صص. ۲۵-۱۲۲) است. در سال

¹ Stephen Weston

۱۸۲۹ ویلیام ت. رابرتسن^۱ در کلکته ترجمه‌ای از داستان رستم و سهراب منتشر کرد که به ناحق مغفول ماند؛ این ترجمه در واقع چاپ مصور و بازبینی‌شده ترجمه قبلی است که در مجله ادبی کلکته و مجله ادبیات، علم و هنر (کلکته، ۱۸۲۶) منتشر شد. در «پیشگفتار مترجم»، رابرتسن دیدگاه‌های مرسوم درباره این حماسه ایرانی را باز می‌گوید اما بر ایده جونز از درام تراژیک، با نقل کامل «سرود» او تأکید می‌ورزد. رابرتسن ترجمه شاهنامه را در هفت بند بلند عرضه می‌کند. بند بلند اصطلاحی است که یادآور کمده‌ی الهی داتته است. عنوان هر کدام از بندها بیانگر مکان وقوع رخدادهاست، مانند «قصر» و «گردهم آئی»، هربند با نقل قولی از آثار ویلیام شکسپیر، الکساندر پوپ، و لرد بایرن، به همراه چهره‌های ادبی کمتر شناخته‌شده‌ای مانند درام‌نویس اسکاتلندی دیوید مالت^۲ (تقریباً ۱۷۰۱-۱۷۶۵) آغاز می‌شود. تصاویر، تقلیدی از نقاشی‌های مینیاتور فارسی است. رابرتسن با وجود وعده‌اش مبنی بر ارائه «ترجمه‌ای دقیق»، به داستان شاخ و برگ می‌دهد، وجه نمایشی آن را تقویت می‌کند، و برخلاف اصل فارسی، آن را به روایتی کند تبدیل می‌کند. ترجمه ابیات حماسی او از مترجمان قبلی روان‌تر و شیواتر است. ارجاعات فراوان به آثار حماسی مثل *ادیسه هومر*، *آنتیو ویرژیل*، *اورلاندو فیوریوسوی آریستو*، *ملکه پریان* ادموند اسپنسر، و *دون ژوان* بایرن، گویای رهیافت رماتیک رابرتسن به حماسه، به عنوان یک نوع ادبی است.

مترجم دیگر شاهنامه در قرن نوزده شرق‌شناس متفطن سموئل رایینسن^۳ (۱۷۹۴-۱۸۸۴) است. در ۲۴ دسامبر ۱۸۱۹، رایینسن مقاله‌ای درباره فردوسی در انجمن ادبی و فلسفی منچستر قرائت کرد، که بعداً در خاطرات سال ۱۸۱۹ او نیز منتشر شد. رایینسن با هزینه شخصی دوبار در ۱۸۲۳ و ۱۸۷۶، این مقاله را چاپ کرد. او اندکی پیش از مرگ جنگی از شعر فارسی فراهم آورد، و بدان منظور اثر قبلی‌اش را در باب فردوسی بازبینی کرد و به شرح و بسط آن اهتمام ورزید (رایینسن، ۱۸۸۳، صص. ۱-۱۰۲؛ در «مقدمه» ص. ۴ جزئیات انتشار مقاله فردوسی به غلط ذکر شده است). ترجمه‌های او از شاهنامه، اگرچه بر روی کاغذ به شکل شعر آمده، اما به نثر آهنگین‌اند؛ ترجمه او شیوا و روان است و الگوی زبانی آن کتاب مقلد نسخه شاه جیمز است. قطعات شاهنامه رایینسن همچنین شامل داستان زال و رودابه (صص. ۲۹-۳۰) می‌شود.

^۱ William Tulloh Robertson

^۲ David Mallet

^۳ Samuel Robinson

قرن بیستم و بیست‌ویکم شاهد انتشار ترجمه‌های متعددی، عالمانه و جز آن، از اثر فردوسی بوده است. در سال ۱۹۰۷ ویلیام استیگان^۱ (۱۸۲۵-۱۹۱۵) و کیل و الکساندر راجرز^۲ (۱۸۲۵-۱۹۱۱) مترجم حرفه‌ای ترجمه‌هایشان از شاهنامه را منتشر کردند. استیگان با مقدمه‌ای درباره فردوسی و حماسه‌اش آغاز می‌کند، و برگردان رستم و سهراب او نثری ناسفته و ثقیل دارد، که به‌زحمت قابل‌خواندن است، گاه بخش‌هایی به نظم، با الفاظ و عباراتی باستان‌گرایانه و درازآهنگ دارد، که نادرست است، (یعنی، چهارده هجا در هرمصرع). در مقام مقایسه، ترجمه راجرز شامل تمام شاهنامه می‌شود. دویست صفحه آغازین آن به نظم است، اما در ادامه، نثر جایگزین نظم می‌شود و شصت صفحه آخر به نثر است. با این‌که بخش‌های منشور عمدتاً خلاصه شده، اما طنین باستان‌گرایانه ابیات حماسی بسیار پُرننگ است و به شیوایی و روانی نظم آتکینسن نیست.

اولین ترجمه کامل واقعی شاهنامه را برادران وارنر (آرتور و ادموند)^۳ عرضه کردند. آرتور جرج وارنر، که دستیار کشیش بود و زبان‌های شرقی را در اوائل دهه ۱۸۶۰ در آکسفورد خوانده بود، در آوریل ۱۹۰۳ نابهنگام درگذشت (وارنر و وارنر ج، ص. ۷) و تقدیر، ترتیب انتشار ترجمه مشترک، نگارش مقدمه و حواشی را به برادر کوچک‌تر ادموند وارنر (تولد ۱۸۵۲) وانهاد. او در «مقدمه» جلد اول، درباره شیوه کار چنین آورده است: ترجمه ما به شعر عروضی است، بخشی مقفّی و بخشی بی‌قافیه است. بخش نخست شامل مقدمه‌ها، مؤخره‌ها، سخنان حکمت‌آمیز خردمندان، سرودها، ابیات پایانی هرداستان، فرازهایی که شاعر درباره خود سخن می‌گوید، و دیگر بخش‌هایی است که در ظاهر با برداشت‌هایی از این دست تناسب دارد. این موارد حجم اندکی از تمامی اثر را تشکیل می‌دهند، و معمولاً در ازای هر سطر فارسی یک سطر انگلیسی وجود دارد، اگرچه ممکن است گاه به مقتضای ترجمه جای بیت یا مصرعی تغییر کند. ما وزن را گاه به‌خاطر تنوع، گاه به‌دلیل تناسب شخصیت با متن، و گاه برای نشاط و سرگرمی خویش تغییر داده‌ایم. . . . بخش بی‌قافیه، که قسمت اعظم ترجمه را به خود اختصاص داده و قصد ندارد سر بر آستان شعر سپید بساید، از بخش مقفّی فشرده‌تر است، هرچند نسبت انگلیسی به فارسی همواره در نوسان است (وارنر و وارنر ج، ص. ۷۸).

اما به رغم این فروتنی شعر سپید آنها کاملاً روان است؛ اگرچه استفاده فراوان از زبان دوره ادوارد (۱۹۰۱-۱۹۱۴) می‌تواند برای خواننده امروزی مشکل‌آفرین باشد. بخش‌های

¹ William Stigand ² Alexander Rogers ³ Arthur George and Edmond Warner

موزون ضرباهنگی تند و نزدیک به اصل فارسی دارد. منبع برادران وارنر در ترجمه، نسخه اصلی بود، با وجود این در ترجمه خود از زندگی پادشاهان (در ترجمه فرانسوی ژول مول، ۷ جلد، پاریس، ۷۸-۱۸۳۸) و کتاب شاهان^۱ (ترجمه ایتالیائی اثر ایتالو پیزی، ۸ ج، تورین، ۸۸-۱۸۸۶) نیز بهره بسیار بردند. این ترجمه‌های عالمانه درک آنها را از متن فارسی وسعت بخشید و به آنها کمک کرد تا از برخی اشتباهات فاحش که برخی مترجمان متأخر دچار آن شدند، پرهیزند. مقدمه و حواشی آنها مفید و استادانه است و برخلاف برخی ترجمه‌های پیشین، به تمامی منابعی که از آنها بهره بردند، ادای دین کردند.

بزل بانتینگ^۲ (۱۹۰۰-۱۹۸۵) شاعر - مترجم برجسته ادبیات فارسی بود. ترجمه‌های او از فردوسی آزاد و در قالب‌های شعری مختلف و جملگی شیوا و روان‌اند. در شعر بلند «پسران فریدون» (بانتینگ، ۲۰۰۰، صص. ۸-۲۰۷) که اول‌بارت. س. الیت آن را در نشریه معیار^۳ (۳/۱۵، آوریل ۱۹۳۶) منتشر کرد، بانتینگ خاصه در انتقال حس تراژیک داستان توفیق تمام داشت. ترجمه سال ۱۹۳۵ او از یکی از تأملات فردوسی در باب زندگی خود (تصحیح خالقی مطلق، ج ۴، صص. ۷۶-۱۶۹) در بخش «اعتبارات» مجموعه اشعار او (بانتینگ، ۱۹۶۸، صص. ۴۰-۱۳۹؛ مقایسه کنید با بانتینگ، ۲۰۰۰، صص. ۱۵۱-۵۲) گنجانده شد.

ترجمه‌ای از شاهنامه که به آسانی در دسترس است اثر روبن لوی^۴ (۱۸۹۱-۱۹۶۶) است. این ترجمه منشور ساده، که در خلال آن اشعاری هم یافت می‌شود، روان و خوشخوان است، اگرچه گاه از طراوت لازم بی‌بهره است. لوی بخش عمده شاهنامه را تلخیص و برخی از داستان‌های مهم را به کلی حذف می‌کند. افزون بر این، اشتباهات بزرگی نیز در ترجمه او وجود دارد. این ترجمه بعد انتشار نخست در سال ۱۹۶۷، پس از مرگ مترجم، همواره منتشر شده است.

از دهه ۱۹۸۰، خوانندگان انگلیسی‌زبان به ترجمه‌های استادانه‌ای که بر اساس تصحیح‌های انتقادی معاصر متن فارسی، خاصه ا. ی. برتلس^۵ (۹ ج، مسکو، ۱۹۶۰-۷۰) و جلال خالقی مطلق (۱۱ ج، نیویورک، ۲۰۰۶-۱۹۸۷) است، دسترسی داشته‌اند. در سال ۱۹۸۷ جروم کلینتن^۶ (۱۹۳۷-۲۰۰۳) ترجمه‌ای به شعر سپید از داستان رستم و سهراب، همراه متن فارسی، منتشر کرد. چاپ دوم و بازنگری شده سال ۱۹۹۶ کلینتن اکثر غلط‌های موجود در چاپ اول را برطرف کرد. ترجمه او شامل یادداشت‌های روشنگر مفیدی است. برخلاف زبان امروزی

^۱ Ill Libro dei rei 2 Basil Bunting 3 Criterion 4 Reuben Levy 5 E. E. Berthels

^۶ Clinton

آن، نظم آن در آغاز اندکی بی‌روح است؛ اما با پیشرفت داستان ضرباهنگ مناسب خود را بازمی‌یابد و هرچه به پایان نزدیک می‌شویم رخداد‌های حزن‌انگیز در آغوش زبانی درخور، آرام می‌گیرد. ترجمه سال ۱۹۹۹ از داستان رستم و اسفندیار نیز هرچند به شعر سپید است اما لطف دیگری دارد، زیرا توصیف‌های مربوط به طبیعت، روشن و فاخر، داستان بسیار روان و در انتقال حس حماسی کامیاب است.

دیک دیویس^۱، شاهنامه‌پژوهی که خود شاعری خوش ذوق است، در سال ۱۹۹۲ ترجمه شیوائی در قالب شعر سپید از داستان سیاوش عرضه کرد، که بهترین ترجمه منظوم از این داستان شاهنامه به انگلیسی است. او علت انتخاب شعر سپید، با تمامی تفاوتی که با شعر فارسی — که در آن هر سطر شامل دو مصرع موزون مقفی است — دارد، را در مقدمه چنین توضیح داده است: «از دیرباز کوشش‌هایی برای ترجمه حجم عظیم و زبان فاخر حماسه به شعر سپید صورت گرفته است، و یادآوری آن خالی از فایده نیست. اهل اهل ساری^۲ برای ترجمه حماسه آنتیو ویرزیل به انگلیسی بود که قالب شعر سپید را ابداع کرد» (دیویس، ۱۹۹۲، ص. ۲۶). در ترجمه او به ندرت جمله یا عبارتی ناپخته به چشم می‌خورد (لؤلؤئی، ۱۹۹۲، ص. ۹۰). افزون بر این، مقدمه و حواشی او عالمانه و روشنگر است.

ترجمه کامل دیویس از شاهنامه — عمدتاً به نثر، و بخش‌های اندکی به نظم — در دو چاپ مختلف منتشر و با اقبال چشمگیر مخاطبان مواجه شده است. چاپ اول در سه جلد مجزا دارای تصاویری از بازتکثیر نقاشی‌های مینیاتوری ایرانی از نسخه‌های خطی مختلف است. اولین جلد (۱۹۹۸) شامل بخش آغازین شاهنامه، شامل یک چهارم کل کتاب، موضوع کانونی جلد دوم (۲۰۰۰) روابط پدر و پسر است. که بخش میانی اثر را دربرمی‌گیرد، از داستان سیاوش تا مرگ رستم. جلد سوم (۲۰۰۴) به تاریخ ایران از اسکندر کبیر (۳۲۳-۳۶۵) قبل از میلاد تا پایان سلسله ساسانیان (۲۲۴-۶۵۰ بعد از میلاد) اختصاص یافته است. چاپ دوم (۲۰۰۶) شامل متن کامل ترجمه است با این تفاوت که تصاویری از نسخه‌های چاپ سنگی جایگزین تصاویر برگرفته از نسخه‌های خطی شده است. واشنگتن پست^۳ این نسخه را به‌عنوان یکی از بهترین کتاب‌های سال ۲۰۰۶ برگزید. دیویس در مقدمه چاپ ۲۰۰۶ می‌گوید که ترجمه او از سنت نقالی پیروی می‌کند (بنگرید به مدخل داستان‌سرای) که در فواصل متناسب بخش‌هایی از اثر فردوسی را از برمی‌خواند تا در روایت منثورش تقسیمات درونی انجام دهد یا بر ابعاد نمایشی تأکید ورزد. دیویس یادآور می‌شود که هدف او از

¹ Dick Davis

² Earl Of Surrey

³ Washington Post

ترجمه شاهنامه، نه تدراکِ متنی برای محققان بلکه عرضه آن به طیف وسیعی از خوانندگان بوده است (دیویس، ۲۰۰۶، ص. ۳۴). برای تناسب بخشی حجم کتاب با پسند خواننده امروزی، بخش‌هایی از اثر فردوسی تلخیص و برخی قسمت‌ها کاملاً حذف شده است. نثر دیویس آهنگین و زبان او روزآمد است. او برای قسمت منظوم از مصراع مقفی با اوزان مختلف بهره برده است؛ این انعطاف‌پذیری به‌سان خود شاهنامه، به او مجال برای ترجمه منظوم با ضرباهنگی شتابناک، بخشیده است. بی‌تردید، در هر ترجمه منثور، بخشی از قوت و استحکام اثر حماسی از بین می‌رود، اما ترجمه او به‌مدد سنت نقالی، موفق از آب در آمده است. گروهی از مترجمان توانمند، که غالباً نادیده گرفته می‌شوند، محققان دانشگاهی ادبیات فارسی‌اند. مستشرقان از جونز به بعد، از زمانی که شرق‌شناسان در باب فردوسی می‌نوشتند، ترجمه منظوم یا منثور قطعاتی از شاهنامه را به‌قصد نشان‌دادن اهمیت و لطف اثر در خلال آثارشان می‌گنجاندند. ویلیام اوزلی^۱ (۱۷۶۷-۱۸۴۲)، ا. ب. کاول^۲ (۱۸۲۶-۱۹۰۳)، ادوارد هنری پالمر^۳ (۱۸۴۰-۱۸۸۲)، ا. گ. براون^۴ (۱۸۶۲-۱۹۲۶) بخش‌های مهمی از شاهنامه را که گاه موفق نیز بود ترجمه کردند. محققانی مانند جیمز راس (۱۷۵۹-۱۸۳۱) و معلمان فارسی هندی مثل ولی هانی بدرالدین بحرا را می‌توان نیز در عداد این افراد دانست.

چنان‌که از این جستار برمی‌آید، مترجمان انگلیسی شاهنامه متعدّدند، و ترجمه‌های منظوم به‌ندرت حتی شمه‌ای از اثر فردوسی را بازمی‌گویند. مترجمان اولیه بیشتر براساس منابع ناقص و نامنقح کار می‌کردند؛ از این رو برخی اشتباهات نابجا به ترجمه‌هایشان راه می‌یافت. مقایسه فردوسی و هومر از منظر جونز، گرچه رویکردی معتبر به مطالعه ادبیات جهان بود، اما تنها به مواردی می‌پرداخت که با دیدگاه‌های او در باب حماسه هومری همسو بود. به‌رغم ترجمه اخیر دیک دیویس، ترجمه برادران وارنر هنوز هم تنها ترجمه انگلیسی کامل شاهنامه است.

اقتباس از ترجمه‌های اولیه

شعر «رستم و سهراب» اثر متیو آرنلد (۱۸۲۲-۱۸۸۸) بهترین اقتباس از شاهنامه است. این اثر در سال ۱۸۵۳ در اصل به‌عنوان شعر انگلیسی بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به منابع آن منتشر شد، آرنلد به سرقت ادبی متهم شد. بعدها او پذیرفت که تاریخ پارسی (۱۸۱۵) اثر جان ملکم^۵ (۱۷۶۷-۱۸۳۳) و شاهنامه ترجمه ژول مول^۶، که از طریق کتابگزاری در مجله قانون

¹ William Ouseley 2 E. B. Cowell 3 Edward Henry Palmer 4 E. G. Browne

⁵ John Malcolm's History of Persia 6 Jules Mohl

اساسی^۱ (پاریس، ۱۱ فوریه ۱۸۵۰) اثر شارل آگوست سنت بوو^۲ (۱۸۰۴-۱۸۶۹) از آن دو استفاده کرده است؛ تقریباً، ص. ۲۰۶). اما بنا به استدلال برخی منتقدان آرنلد با ترجمه آتکینسن از داستان رستم و سهراب (یوختان، صص. ۸۲۰-۸۱-۲۷۶) نیز آشنا بود، در چاپ‌های پس از مرگ اشعار آرنلد که شامل «رستم و سهراب» (مثلاً، ۱۸۹۰، صص. ۹۲-۶۵، ۵۰۲) نیز بود تنها تاریخ پارسی به‌عنوان منبع در یادداشت‌ها ذکر شده است. آرنلد منبع تقلید این شعر را داستانی از اثر حماسی بزرگ پارسی، که به ناگزیر از حماسه‌های هومر تقلید کرد، به‌شمار آورد. این شعر که در بیشتر سفینه‌های ادبی آمده است، ارزش ادبی خاص خود را دارد و با اثر فردوسی تفاوت‌های چشمگیری دارد.

هلن زیمرن^۳ (۱۸۴۶-۱۹۳۴) در اقتباس منثورش از برخی داستان‌های مهم شاهنامه بر ترجمه مول تکیه کرد. پس از انتشار اولین چاپ مقبول کلکسیونرها در شمارگان محدود در سال ۱۸۸۲، این کتاب در هر دو سوی آتلانتیک بارها تجدید چاپ شد. ترجمه او خواناست، هرچند عاری از آرکائیسیم‌های نحوی و واژگانی نیست. بعد از پیشگفتار و مقدمه زیمرن «شعر مقدماتی: فردوسی در تبعید» (۱۸۸۲، صص. ۲۷-۴۷) ادmond گاس^۴ (۱۸۴۹-۱۹۲۸) قرار دارد. گاس شعری نسبتاً احساسی مشتمل بر ۵۴ بند هشت‌سطری درباره وضع ناگواری فردوسی برای اقتباس زیمرن از شاهنامه سرود. او در ادامه این شعر را به‌عنوان اولین شعر مجموعه شعر سال ۱۸۸۵ برگزید، و این اثر نامش را به این دفتر شعر داد (صص. ۱۰-۳۰؛ ۲۲۱، ن ۱۰؛ گاس سال ۱۸۸۳ را سال انتشار شاهنامه زیمرن می‌داند).

در سال ۱۹۳۰، باپسی دستور کرسنجی پآوری (۱۹۰۲-۱۹۹۵)، که از یک خانواده متعین زرتشتی هند بود و در دانشگاه بریتیش کلمبیا نزد آ. و. ویلیامز جکسن^۵ تلمذ کرده بود، کتابی درباره شاهنامه منتشر کرد تا زندگی زنان در ایران باستان را به تصویر بکشد. نثر او شیواست، او بخش‌هایی از ترجمه برادران وارنر و چهارده مینیاتور ایرانی را در آن گنجانده است. در سال ۲۰۰۲، مورخ هنر ب. و. رابینسن^۶ (۱۹۱۲-۲۰۰۵) بر اساس ترجمه برادران وارنر گزیده‌ای از شاهنامه منتشر کرد. اثر او دارای پنجاه‌وپنج مینیاتور از سه نسخه خطی شاهنامه اواخر پانزدهم است. این ترجمه مخاطب عام را در نظر دارد (رابینسن، ۲۰۰۲، ص. ۱۸) و شامل مقدمه، تعلیقات، نقشه جغرافیایی، کتابنامه و یک ضمیمه است.

^۱ Le Constitutionnel

^۲ Charles Auguste Sainte-Beuve

^۳ Helen Zimmern

^۴ Edmund Gosse

^۵ A. V. Williams Jackson

^۶ B. W. Robinson

چ. س. لوئیس^۱ (۱۸۹۸-۱۹۶۳) محقق برجسته ادبیات قرون وسطا و رنسانس و نویسنده وقایع‌نامه‌های نادنی^۲، پر از تأملات شخصی فردوسی بود. شعر نسبتاً بی‌روح او در باب «نبوغ فردوسی» یارای برابری با قوت جدلی نثر دانشگاهی یا طراوت آثار داستانی‌اش را ندارد. نسخه اولین ترجمه او در مجله پانچ^۳ (شماره ۲۱۵، دسامبر ۱۹۴۸، ص. ۵۱۰) منتشر شد، و لوئیس بعدها این شعر را بازنگری کرد.

داستان‌های شاهنامه برای معلمان و نویسندگان آماتور زمینی حاصلخیز را ماند که از ترجمه‌های اولیه برای عرضه ترجمه خود بهره بردند. خاستگاه این مواد بخش اساطیری شاهنامه است. نثر ساده است، و همراه متن غالباً تصاویری وجود دارد. الفرد جان چرچ^۴ (۱۸۲۹-۱۹۱۲) استاد لاتین دانشگاه کالج لندن (۱۸۸۰-۱۸۸۸)، نه تنها آثار کلاسیک ادبیات لاتین را برای خوانندگان جوان تهیه کرد، بلکه در سال ۱۸۸۷ گلچینی از داستان‌های شاهنامه را نیز منتشر کرد. الا سایکس^۵ (۱۸۶۳-۱۹۳۹) که از سال ۱۸۹۵ تا ۱۸۹۷ در ایران زندگی کرده بود، گزیده‌ای از شاهنامه فردوسی را برای کودکان فراهم آورد. اتل (اتلدرا) مری ویلمت - باگستن^۶، نویسنده پرکار کودک و نوجوان، نیز به شاهنامه پرداخت. ترجمه منشور والس گرندی^۷ در سال ۱۹۱۲ در مجموعه ادبیات انگلیسی برای دبیرستان چاپ شد. باربارا لنونی پیکارد^۸ (۱۹۱۷-۲۰۱۱)، نویسنده تحسین‌شده آثار داستانی تاریخی و بازنویس اساطیر باستانی، در سال ۱۹۷۲ خوانش خود را از شاهنامه فردوسی منتشر کرد.

تا قبل از جروم کلینتن شاهنامه هیچ مترجم آمریکایی نداشت، اما خوانندگان آمریکایی با ترجمه‌ها و اقتباس‌های بریتانیایی و فرانسوی آشنا بودند. مثلاً سرهنگ پرس کتاب ادبیات فارسی (۲ ج، نیویورک، ۱۹۰۰)، که شامل ترجمه آتکینسن بود، را منتشر کرد. گویی ناشر آمریکایی اصلاً پروای حق مؤلف را نداشت. در سال ۱۹۰۹، الیزابت د. رینگر^۹ کتابدار ترجمه‌ای از شاهنامه برای کودکان منتشر کرد. دروتی کویت^{۱۰} معلم برای گزیده داستان‌های شاهنامه‌اش در سال ۱۹۲۹ از ترجمه برادران وارنر استفاده کرد، و چندسال بعد برخی از این داستان‌ها را در قالب نمایش‌نامه برای اجرا در مدرسه درآورد. در سال ۱۹۳۰، الن لیک چایدسی^{۱۱} آموزگار (۱۹۰۴-۱۹۸۱) ترجمه خود را از داستان‌های رستم منتشر کرد.

¹ C. S. Lewis ² the Chronicles of Narnia ³ Punch ⁴ Alfred John Church
⁵ Ella Sykes ⁶ Ethel (Etheldreda) Mary Wilmot-Buxton ⁷ Wallace Gandy
⁸ Barbara Leonie Picard ⁹ E. D. Renninger ¹⁰ Dorothy Coit ¹¹ Lake Chidsey

در جنگ‌های آثار حماسی، اقتباس‌های شاهنامه در جای‌جای قطعاتی از شاهنامه خوش نشسته است. کیت میلنر رب^۱ (۱۸۶۶-۱۹۳۷) خوانندگان درسنامه سال ۱۸۹۶ش را به ترجمه آتکینسن و اقتباس زیمرن (ص. ۲۱۵) ارجاع داد، اما در ادامه داستان «پادشاه هند تخته نردی برای نوشیروان می‌فرستاد» (صص. ۲۸۰-۲۲۵) و داستان «زال و رودابه» (صص. ۲۲۹-۳۵۰) از ترجمه ساموئل رایینسن را ذکر کرد. هلن ادلین گوئربر^۲ (۱۸۵۹-۱۹۲۹) در جنگ ۱۹۱۳ روایت منثور بسیار موجزی از اثر فردوسی (صص. ۴۱۴-۳۹۴) از آغاز شاهنامه تا مرگ رستم به‌دست داد که با نقل بخش‌هایی از ترجمه چمپین و اقتباس آرنلد حیاتی دوباره یافته است.

¹ Kate Milner Rabb

² Hélène Adeline Guerber